



محمد دهباشی
کارگردان فیلم کوتاه
«میام دنبالت»

بر خلاف تصور از هوش مصنوعی استفاده نکرده ایم

فیلم کوتاه فانتزی-تخیلی «میام دنبالت» دومین ساخته محمد دهباشی و اولین حضور او به عنوان فیلمساز در جشنواره فیلم کوتاه تهران است. دهباشی در گفت و گو با صبا از شکل گیری ایده‌های عاشقانه در فضای رویا و فناوری گفت و توضیح داد که همه جلوه‌های ویژه فیلم به صورت دستی ساخته شده‌اند. او تأکید کرد که هدفش روایت احساسی انسانی در دل جهانی خیال انگیز بوده است. این فیلم در چهار روز و در دریاچه نمک قم فیلمبرداری شده است.

در مورد ایده این فیلم و موضوعی که به آن پرداخته است، بگویید.

فیلم درباره مردی است که چند سالیست همسرش را در اثر تمور مغزی از دست داده و اکنون قرصی در دسترس او قرار گرفته که می‌تواند در رویا، همسرش را دوباره ملاقات کند. او می‌تواند این رویاها را بسازد و در آنجا با همسرش دیدار داشته باشد، اما اتفاقاتی در این میان رخ می‌دهد که مانع این ملاقات می‌شوند. ایده فیلم از جایی شکل گرفت که چند محیط جذاب و رویایی را با توجه به شغلم که در زمینه جلوه‌های ویژه است، دیدم و به این فکر کردم که این فضاها چه داستانی می‌توانند داشته باشند. به عنوان مثال، ماشینی بود که نورهای جالبی از آن ساطع می‌شد و حالتی رویایی داشت. از این تصویر مرا به ایده‌ای در رابطه با مردی می‌کشاند که شاید قرار است در این محیط با همسرش ملاقات کند و به این

ترتیب داستان حول آن تصویر گسترش پیدا کرد و فیلم ساخته شد.

از نحوه استفاده از جلوه‌های ویژه برای این فیلم بگویید؟
ما در این پروژه از جلوه‌های ویژه بسیار استفاده کرده‌ایم، اما برخلاف تصور برخی مخاطبان از هوش مصنوعی بهره نرفتیم چرا که اساساً فیلمبرداری و ساخت فیلم حدود یک سال پیش انجام شد، زمانی که تکنیک‌های هوش مصنوعی هنوز پیشرفت نکرده بود، بنابراین همه جلوه‌ها به صورت دستی ساخته شد که پروسه زمانبری بود.

در مورد گروه تولید و بازیگران فیلم توضیح دهید.

فیلم دو بازیگر اصلی دارد، محمد رسول صفری که در فیلم‌های بلند، کوتاه و سریال‌ها حضور داشته و چهره شناخته شده‌ای است و ترانه ولدیان که سابقه بازی در تئاتر، فیلم و سریال را دارند. تیم تولید نیز کوچک و جمع و جور بود. گروه ما به همراه عوامل پست پروداکشن شامل حدود نه نفر بود. ما سعی کردیم تیم را کوچک نگه داریم، محدود بودن گروه تولید باعث می‌شود هم کنترل پروژه ساده‌تر باشد و هم از نظر هزینه‌ها بسیار تاثیرگذار است و هزینه ساخت فیلم را به شدت کاهش می‌دهد. دقیقاً به همین علت برخی از میزان هزینه فیلمی که ساخته‌ام تعجب می‌کنند و برایشان سوال است که چگونه می‌توان یک فیلم را با این میزان بودجه ساخت.

سینما را چطور آغاز کردید و چرا سینمای کوتاه را انتخاب کردید؟

رشته تحصیلی من مهندسی برق بود، اما تصمیم گرفتم علاقه‌ام، یعنی هنر را دنبال کنم. از آنجایی که مستقیم نمی‌توانستم وارد سینما شوم، تصمیم گرفتم جلوه‌های ویژه یاد بگیرم و از طریق آن وارد پروژه‌ها شوم. خوشبختانه فرصت‌های خوبی هم پیش آمد و در پروژه‌های مختلف کار و دوستانی پیدا کردم. اکنون مدتی است که فعالیت اصلی من روی نوشتن و ساخت فیلم کوتاه متمرکز شده است و کمتر در حوزه جلوه‌های ویژه فعالیت می‌کنم. در حقیقت ورود من به سینما از طریق جلوه‌های ویژه و پست پروداکشن بود که من را با تیم‌سازی و ساخت فیلم آشنا کرد.



مجیدی زرینی
کارگردان فیلم کوتاه داستانی
«شاه نامه»

از چالش‌های کار با کودکان آگاه بودم

فیلم کوتاه «شاه‌نامه» سومین اثر مجیدی زرینی است که با الهام از مستندی درباره «خانه دوست کجاست» ساخته عباس کیارستمی شکل گرفته است. زرینی در گفت و گو با خبرنگار صبا از تأثیر این مستند بر ایده فیلم، روند انتخاب لوکیشن و دشواری کار با بازیگران کودک سخن گفت و تأکید کرد که رقابت، دوستی و از دست رفتن معصومیت کودکی، محور اصلی این اثر است.

ایده و موضوع فیلم «شاه نامه» چگونه شکل گرفت و دقیقاً به چه موضوعی می‌پردازد؟

ایده «شاه نامه» حدود دو سال پیش پس از دیدن یک مستند درباره فیلم «خانه دوست کجاست» اثر عباس کیارستمی شکل گرفت. این مستند که زندگی کودکانی را که در آن فیلم بازی کرده بودند بررسی می‌کرد، دستمایه اصلی ما شد و در پیچ‌های باز کرد تا ما خط داستانی خود را پیدا کنیم، در واقع این تنها یک جرقه بود تا ما در این فیلم به اینکه بچه‌ها تا چه زمانی می‌توانند بچگی کنند و اینکه رقابتی که بین آن‌ها شکل می‌گیرد، چگونه می‌تواند این دوران را از آن‌ها بگیرد، برداریم. آنچه در مستند مشخص بود این بود که کودکانی که در آن فیلم بازی کرده بودند، پس از گذشت بیش از ۴۰ سال نتوانسته بودند به زندگی روتین خود بازگردند. آنها کودکی را از دست داده و در سنین بالاتر همچنان در فضای آن فیلم باقی مانده بودند. داستان «شاه نامه» در یک دبستان دخترانه اتفاق می‌افتد که قرار است دانش‌آموزانش تئاتری اجرا کنند. رقابتی که بین بچه‌ها برای ایفای نقش‌ها شکل می‌گیرد، فضایی متشنج ایجاد می‌کند و دوستی و رفاقت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. فیلم به طور خلاصه درباره چالش ایجاد قدرت و رقابت بین کودکان است.

آیا نام فیلم به نمایش داخل فیلم برمی‌گردد؟

بله، در این فیلم به طور موازی به قصه دانش‌آموزانی که قرار است در این تئاتر بازی کنند به طور موازی با داستان خود نمایش می‌پردازیم. نمایش، قصه پادشاهی است که قرار است در شهرش بارانی بیارد و مردمی که زیر آن باران باشند، دیوانه می‌شوند. در واقع بچه‌ها برای ایفای نقش‌های این نمایش رقابت می‌کنند و این رقابت به نوعی جنگ قدرت و حفظ تاج است و این موضوع طعنه‌ای به شاهنامه و افسانه‌ها است.

مدت زمان فیلمبرداری چقدر بود و لوکیشن‌ها چگونه انتخاب شدند؟

فیلمبرداری در پنج روز انجام شد البته کمی سخت بود چون حدود نود پلان در پنج جلسه فیلمبرداری شد. لوکیشن اصلی مدرسه فیروز بهرام در خیابان جمهوری بود. این ساختمان قدیمی، با بیش از ۹۰ سال قدمت، به دلیل فرم پنجره‌ها و ارتفاع بلند سقف، امکان همسان‌سازی بین کلاس درس بچه‌ها و دکور نمایش قصر پادشاه را فراهم می‌کرد. پیدا کردن چنین ساختمانی و راضی کردن مسئولان آموزش و پرورش چالش برانگیز بود، اما حل شد و دوروز در آن مدرسه فیلمبرداری انجام دادیم. سایر لوکیشن‌ها نیز با توجه به لوکیشن اصلی انتخاب شدند و سالن تئاتر و دکور نیز هماهنگ با فرم معماری مدرسه انتخاب شد.

چه تعداد بازیگر کودک و نوجوان داشتید و نحوه انتخاب آن‌ها چگونه بود؟

در این فیلم، ۱۲ بازیگر کودک اصلی داریم، سه نفر از آن‌ها نقش‌های محوری دارند و رقابت برای ایفای نقش اصلی بین آن‌ها شکل می‌گیرد. سایر بازیگران نقش‌های مکمل نمایش را ایفا می‌کنند. تنها یک بازیگر بزرگسال در نقش معلم و حدوداً در یک سوم سکانس‌ها حضور دارد. بنابراین، کل فیلم تقریباً حول محور دختران ده تا یازده ساله است. من پیش از این دو کار کوتاه با کودکان انجام داده بودم و با چالش‌های کار با آن‌ها آشنا بودم. با آگاهی از این چالش‌ها، فرآیند پیش‌تولید دقیق و جامعی داشتیم. از طریق مدارس بازیگری مخصوص کودکان اطلاعاتی بدست آوردیم، از حدود ۲۰ تا ۳۰ نفر تست گرفته شد و در نهایت سه بازیگر اصلی انتخاب شدند و بازیگران مکمل نیز بر اساس این سه نفر اصلی انتخاب شدند. برای انتخاب آن‌ها، سابقه بازیگری اهمیت نداشت؛ بلکه چهره، تن صدا و نزدیکی خاطرانشان از مدرسه به کاراکترهای مدرسه‌ی فیلم ما، معیار اصلی بود.

